

دکتر سیدمحمد حسینی معصوم (استادیار زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام‌نور، نویسنده مسؤل)^۱
سیده تکتّم حسینی (کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام‌نور)^۲

بررسی فرآیندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار^۱

چکیده

در زبان‌شناسی اجتماعی، همواره نقش عواملی همچون سطح تحصیلات در جنبه‌های مختلف زبان افراد مورد توجه بوده است. هدف اصلی این تحقیق که در شهر مشهد صورت گرفته، بررسی فرآیندهای واجی در گفتار افراد تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده در مقایسه با فارسی معیار است. داده‌های تحقیق، به روش میدانی و با مصاحبه گردآوری شده و فرآیندهای واجی از قبیل همگونی، هماهنگی واکه‌ای، واکرفتگی، قلب، افزایش و حذف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که تحصیلات عامل بسیار مهمی در تفاوت‌های زبانی در میان کاربران لهجه مشهدی است. افراد تحصیل کرده، دقت بسیاری در استفاده از واژه‌ها دارند و بیشتر از گونه معیار استفاده می‌کنند. در حالی که فرآیندهای واجی موجود در گفتار افراد در سطوح پایین‌تر، زبان آن‌ها را از گونه معیار متفاوت می‌سازد. تنها فرآیند واجی که در این تحقیق، چندان متأثر از تحصیلات تشخیص داده نشد، فرآیند حذف است که در میان تمامی گویشوران بسامد بالایی داشت. تحلیل داده‌های تحقیق به صورت تفصیلی و با روش‌های مختلف، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فرآیندهای واجی، فارسی معیار، لهجه مشهدی، تحصیلات، زبان‌شناسی اجتماعی

۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با همین عنوان و با حمایت مالی دانشگاه پیام‌نور به انجام رسیده است.

۱. مقدمه

در پژوهش‌های زبان‌شناسی به ویژه در دهه‌های اخیر، توجه به جنبه‌های فرازبانی و ارتباط زبان با سایر ابعاد زندگی انسان و پدیده‌های جهان، در قالب زبان‌شناسی کاربردی اهمیت فراوانی یافته است. از جمله این زمینه‌های مطالعاتی، بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی زبان و تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان‌های بشری است. چنان که یول^۱ (۱۳۷۹: ۸) بیان می‌کند، تأثیر جنبه اجتماعی زبان آنقدر روشن است که حتی برخی نظریه‌هایی که در مورد منشأ زبان انسان وجود دارد، تکامل زبان انسان را در بافتی اجتماعی ممکن می‌داند.

مجموع این مطالعات، ذیل شاخه‌ای از زبان‌شناسی قرار می‌گیرد که به آن زبان‌شناسی اجتماعی^۲ یا جامعه‌شناسی زبان^۳ گفته می‌شود. از دیدگاه مدرسی (۱۳۶۸: ۱۳)، جامعه‌شناسی رشته‌ای مرتبط با زبان‌شناسی است و جامعه‌شناسی زبان یکی از رشته‌های جدید زبان‌شناسی محسوب می‌شود. برائیا^۴ (۱۹۹۶) نیز جامعه‌شناسی زبان را مطالعه ارتباط میان زبان و جامعه می‌داند. وارداف^۵ (۱۹۹۲: ۱۳) تمایزی بین زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان قائل شده است. او معتقد است زبان‌شناسی اجتماعی، عوامل زبان‌شناسی را به‌عنوان مسائل اولیه در تحقیقات زبان و جامعه بررسی می‌کند، در حالی که تحقیقات جامعه‌شناسی زبان، بیشتر پیرامون شیوه تأثیرگذاری مسائل سیاسی و اجتماعی بر کاربرد زبان است.

جامعه‌شناسی زبان به موضوعات مختلفی در ارتباط با زبان و جامعه می‌پردازد. عوامل جامعه‌شناختی مختلف نظیر طبقه اجتماعی، جنسیت، سطح تحصیلات، گرایش‌های فرهنگی و سیاسی و عوامل مشابه این‌ها، هرکدام به‌طور بالقوه می‌تواند بر ویژگی‌های زبان افراد یک جامعه تأثیر بگذارد. یکی از عواملی که می‌تواند موضوع مطالعات زبان‌شناسی قرار گیرد، ارتباط تحصیلات افراد جامعه با تنوعات و گوناگونی‌های زبانی یا پیوستگی زبانی است. افراد یک

1 Yule

2 sociolinguistic

3 sociology of language

4 Bruthiaux

5 Wardhaugh

جامعه زبانی به تناسب درجات مختلف تحصیلی که دارند، ممکن است از دامنه محدودتر یا گسترده‌تری از واژگان خاص استفاده کنند. همچنین افراد تحصیل کرده ممکن است تمایل بیشتری به استفاده از ویژگی‌های آوایی، دستوری یا سبکی زبان معیار داشته باشند. آنتونی^۱ (۲۰۱۰: ۱۴) معتقد است: دامنه واژگان مرتبط با گویش و تکرار آن، می‌تواند نشانگر سطح تحصیلی و فرهنگی سخنگو باشد. همچنین فرایندهای واجی و آوایی رایج در افراد با سطوح تحصیلی متفاوت می‌تواند متمایز باشد.

پژوهش حاضر به بررسی زبان‌شناختی فرایندهای واجی در تلفظ گویشوران بومی لهجه مشهدی از سطوح تحصیلی متفاوت در مقایسه با زبان معیار می‌پردازد. هدف این تحقیق بررسی وجود رابطه احتمالی بین تحصیلات و وقوع فرایندهای واجی خاص در میان این گروه از گویشوران زبان فارسی است. با توجه به لزوم شناخت دقیق ویژگی‌های گویش‌ها و لهجه‌های محلی کشور و نیز تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر حفظ یا نابودی این گونه‌های فرهنگی، تحقیقاتی این چنین می‌تواند پژوهشگران را در این زمینه یاری کند.

۲. مبانی نظری

چنان‌که اگریدی^۲ (۱۳۸۰) بیان می‌کند، زبان‌شناسی اجتماعی به مطالعه تأثیرات گوناگون جوامع بر ویژگی‌ها و مدل‌های زبانی افراد آن جامعه می‌پردازد. بنابراین موقعیت‌های اجتماعی که افراد در جامعه دارند بر ویژگی‌های گونه زبانی که به کار می‌برند تأثیرگذار است. هنگامی که از تأثیر عوامل جامعه‌شناختی صحبت می‌کنیم، نمود عملی این تأثیر، همان تنوعی است که در گونه‌های زبانی مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر تنها شواهد عینی که در اختیار زبان‌شناس اجتماعی است، و تنها موضوع مورد مطالعه در این رشته همین تفاوت‌های موجود در زبان گروه‌های مختلف یک جامعه است.

1 Anthony
20'Grady

۲. ۱. گونه‌های زبانی

مطالعه گونه‌های زبانی که محصول عوامل مختلف هستند یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زبان‌شناسی اجتماعی است. گونه‌ها از یک مکان به مکان دیگر، از یک طبقه اجتماعی به طبقه دیگر و یا از یک موقعیت به موقعیت دیگر تغییر می‌کنند. این تغییرات تحت عنوان تنوع جغرافیایی^۱، تنوع اجتماعی^۲ و تنوع بافتی^۳ مطالعه می‌شوند. ظهور این تنوعات در قالب گونه‌های زبانی است که به نام‌هایی چون زبان^۴، گویش^۵، لهجه^۶، زبان صنفی^۷، لهجه اجتماعی^۸، یا سیاق^۹ و نظایر آن شناخته می‌شوند. در میان این تنوع‌ها معمولاً یکی از گونه‌های زبانی به عنوان گونه معیار، جایگاه اجتماعی و فرهنگی بالاتری نسبت به بقیه دارد. از دیدگاه میلر^{۱۰} (۲۰۱۲: ۵۷۵) «مفهوم زبان معیار^{۱۱}، تأثیر قابل توجهی بر مطالعات توصیفی زبان داشته است. در مورد تعریف زبان معیار ابهاماتی وجود دارد، و معمولاً زبانی را به عنوان معیار در نظر می‌گیرند که بالاترین جایگاه (پرستیژ^{۱۲}) اجتماعی را دارد». اما به نظر می‌رسد همواره چنین نباشد. به گفته میلر^{۱۰}، زبان معیار، اغلب نسبت به سایر گونه‌ها تغییر و تنوع کمتری دارد، به گونه‌ای که مثلاً هر واژه فقط یک تلفظ دارد یا هر ساختار دستوری فقط یک صورت صحیح دارد، حال آنکه در گونه‌های غیر معیار شاهد تنوع بیشتری هستیم. بنابراین میلر^{۱۰} (همان: ۵۷۶) نتیجه می‌گیرد که «آنچه بیش از پرستیژ در تعیین زبان معیار اهمیت دارد، یکدستی زبان است و این عامل، برخلاف پرستیژ، در خود زبان است، نه در جامعه زبانی که از آن استفاده می‌کند».

- 1 geographical variation
- 2 social variation
- 3 contextual variation
- 4 language
- 5 dialect
- 6 accent
- 7 jargon
- 8 socialist
- 9 register
- 10 Milroy
- 11 standard variety
- 12 prestige

اما پرسشی که پیش می‌آید این است که چگونه زبانی به عنوان زبان معیار پذیرفته می‌شود. پذیرش یک زبان به عنوان معیار در هر کشوری تصادفی نیست، بلکه حاصل ترجیح یک گونه زبانی نسبت به سایر گونه‌ها و سپس تقویت آن از طریق نهادهای اجتماعی نظیر مدارس و مطبوعات و سازمان‌های دولتی است. به عبارت دیگر، چنان‌که تانکین^۱ (۲۰۰۴: ۴) می‌گوید، «گونه معیار، نمود و نتیجه قدرت نهادینه شده است. بنابراین، زبان معیار که به گویشوران خود قدرت و پرستیژ می‌بخشد، حاصل تضعیف و کم‌رنگ کردن گویش‌های دیگر است. در واقع، گفته می‌شود که زبان معیار، گویشی است که ارتش را در اختیار دارد.»

۲-۲. عوامل اجتماعی مؤثر بر زبان

علاوه بر قدرت و پرستیژ که در تعیین زبان معیار مؤثرند، عوامل مختلفی در شکل‌گیری گونه‌های مختلف زبانی و یا تمایل افراد به کاربرد هر گونه تأثیرگذارند. افراد، صرف‌نظر از این که گویشور بومی کدام گونه زبانی باشند، تحت تأثیر عوامل مختلف زمانی و مکانی و موقعیتی ممکن است به سمت یک گونه خاص از زبان متمایل شوند. جنسیت، سن و طبقه اجتماعی می‌تواند سبب ایجاد تمایز بین گویشوران شود. مثلاً لباو^۲ (۲۰۰۱: ۲۹۳) اشاره می‌کند که «زنان نسبت به مردان به میزان بالاتری از گونه‌های باپرستیژ طبقات بالا استفاده می‌کنند؛ اما در عین حال، هنگامی که تغییرات زبانی از طبقه پایین به سمت طبقه بالا منتشر شود، زنان سریعتر از مردان با هنجارهای زبانی-اجتماعی جدید سازگار می‌شوند.» همچنین گروه‌های سنی خاص به ویژه جوانان ممکن است در گفتار خود ویژگی‌هایی بروز دهند که فقط در همین گروه سنی مشاهده می‌شود، از جمله کاربرد صورت‌های زبان عامیانه^۳ خاص.

تحصیلات نیز عامل تأثیرگذار دیگری است که می‌تواند سبب بروز تفاوت آشکار در گونه زبانی افراد یک گروه شود. یول (۲۰۰۶: ۲۵۵) معتقد است «افرادی که تحصیلات بالایی دارند، در زبان گفتاری خود ویژگی‌هایی را نشان می‌دهند که ناشی از مواجهه دراز مدت ایشان با

1 Tonkin

2 Labov

3 slang

زبان مکتوب است». تحقیقاتی درباره تأثیر تحصیلات در پیدایش تنوعات و گوناگونی‌های زبانی صورت گرفته است. هرچه درجه تحصیلات افراد بالاتر باشد، ثبات زبانی و کاربرد گونه معیار بیشتری دارند و هرچه تحصیلات افراد کمتر باشد عدم یکدستی بیشتری در صورت‌های زبانی ایشان مشاهده خواهد شد.

۳. پیشینه تحقیق

تفاوت‌های آوایی^۱ و واجی^۲ در زنجیره گفتار بین افراد مختلف جامعه می‌تواند ناشی از عوامل جامعه‌شناختی نظیر جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت‌های اجتماعی باشد. نمی‌توان بطور کامل گفت که این تفاوت‌ها مطلق هستند و تمام افراد تحصیل کرده جامعه پیوستگی یا یکدستی زبانی کاملی دارند. همان‌طور که مدرسی (۱۳۶۸: ۱۹۷) بیان کرده این تفاوت‌ها بطور نسبی وجود دارند؛ یعنی بعضی از فرایندهای واجی از قبیل روندهای افزایش یا حذف در میان همه فارسی‌زبانان عمل می‌کند و تحصیلات نقش چندان پورنگی ندارد. تنها می‌توان گفت میزان عملکرد این فرایندهای واجی در میان گروه‌های با تحصیلات پایین بیشتر از گروه‌های با تحصیلات بالا است.

بررسی هریک از این فرایندهای واجی نتایج متفاوتی در گروه‌های تحصیلی متفاوت داشته است؛ اما در مجموع همه بررسی‌ها یک نقطه مشترک دارند و آن این است که وقوع فرایندهای واجی با تحصیلات رابطه نزدیک دارند؛ به این معنی که هرچه تحصیلات بالاتر رود، پیوستگی زبانی یا به عبارتی تلفظ معیار واژگان بیشتر خواهد شد. با این وجود، اثبات این امر در گونه‌های زبانی مختلف و جوامع متفاوت نیاز به پژوهش‌های گسترده دارد. از دیدگاه مدرسی (۱۳۶۸: ۲۰۰)، «میزان تحصیلات و حتی نوع تحصیلات یا رشته تخصصی گویندگان یک زبان را می‌توان از عواملی دانست که در به وجود آمدن تنوعات و گوناگونی زبانی در سطح یک جامعه نقش موثر دارد». او عوامل دیگری مانند شغل و مذهب را نیز در پیدایش گوناگونی‌های

1 Phonetic

2 Phonological

زبانی دخیل می‌داند. آروانتی و جوزف^۱ (۲۰۰۰) معتقدند که میزان اثرگذاری تلفظ واژگان بسته به اهمیت زبان نوشتار می‌باشد. تلفظ واژگان در مکالمه متفاوت از تلفظ واژگان در خواندن می‌باشد.

در تحقیقات دیگری در یونان، پاگنی^۲ (۱۹۸۹)، به نقل از آروانتی و جوزف، (۲۰۰۰) نشان داد که سخن‌گویان با تحصیلات بالا از انسدادی‌های خیشومی شده بسیار بیشتر از افراد با تحصیلات پایین استفاده می‌کنند. اما مک‌ریج^۳ (۱۹۹۰: ۷۱، به نقل از آروانتی و جوزف، ۲۰۰۰) در تحقیقاتی که در ارتباط با میزان تحصیلات و تلفظ همخوان‌های انسدادی خیشومی شده^۴ انجام داد به این نتیجه رسید که وضعیت آتن نشان می‌دهد که عدم تلفظ صداهای خیشومی بسیار عمومی شده است و حتی در میان افراد با تحصیلات بالا نیز رخ می‌دهد گرچه این رخداد در میان افراد کم سواد و جوانان مخصوصاً جنس مذکر رواج بیشتری دارد.

داهر^۵ (۱۹۹۸: ۲۵۰) نیز تحقیقاتی درباره تلفظ /θ/ و /δ/ در زبان عربی انجام داد. او بیان می‌کند «به افرادی که در مکالمه θ و δ را تلفظ می‌کردند نمره داده شد. طبق نمرات بدست آمده نشان داده شد که افراد با تحصیلات بسیار بالا و سن بیشتر از ۲۵ سال نمره کمتری گرفته‌اند و به این معنا است که افراد با تحصیلات بالاتر از θ و δ کمتر استفاده می‌کنند». داهر (۱۹۹۸: b) در تحقیق دیگری در جامعه عرب درباره تنوع زبانی به بررسی [q] و [ʔ] در میان زنان و مردان جامعه عرب پرداخته‌است. نتیجه این تحقیق داهر از حاکی از این نکته بود که مردان نسبت به زنان از [q] بیشتر استفاده می‌کنند. داهر در همین تحقیق، عامل تحصیلات را هم در نظر گرفته‌است و به این نتیجه رسیده است که افراد تحصیل‌کرده و دارای مدرک لیسانس بیشتر تمایل دارند از [ʔ] در مکالمه‌های خود استفاده کنند.

1 Arvanti & Joseph

2 Pagoni

3 McRidge

4 Nasal stops

5 Daher

مدرسی (۱۹۸۷، به نقل از مدرسی، ۱۳۳۸: ۱۹۹) در تحقیقاتی که در جامعه فارسی زبانان تهرانی انجام داد به این نتیجه رسید که میزان حذف ^۱ /t/ و /d/ در خوشه‌های همخوانی پایانی، در گفتار افراد با تحصیلات بالاتر بطور نسبی کمتر است. این نکته در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: در صد حذف /t/ و /d/ در خوشه های همخوانی پایانی فارسی بر حسب سن / میزان

تحصیلات (مدرسی ۱۹۸۷)

سن / میزان تحصیلات	زیر ۶ سال	۶ تا ۹ سال	۱۰ تا ۱۲ سال	دانشگاهی
در صد حذف /t/ و /d/	۲/۷۵	۵۸	۸/۵۴	۲/۵۱

بررسی‌های تجربی مختلفی درباره رابطه تحصیلات و وقوع فرآیندهای واجی از قبیل روندهای قلب^۲، واکرفتگی^۳، افزایش^۴، حذف و همگونی^۵ در تلفظ واژگان فارسی صورت گرفته است. بعنوان نمونه، مدرسی (۱۳۳۸: ۲۰۰) در بررسی تجربی که در ارتباط با روند هماهنگی واکه‌ای^۶ در واژه‌هایی مانند بکن و بگیر انجام داد نتیجه گرفت که هماهنگی واکه‌ای در فارسی زبانان تهرانی با درجه تحصیلی بالا بسیار کمتر از افراد با میزان تحصیلات پایین اتفاق می‌افتد. این نتیجه حاکی از آن است که هرچه میزان تحصیلات فارسی زبانان تهرانی کمتر باشد، درصد هماهنگی واکه‌ای افزایش می‌یابد. همچنین نتایج تحقیقات جهانگیری و هادسن^۷ (۱۹۸۲) در این شهر نیز حاکی از رابطه معکوس میزان تحصیلات با وقوع هماهنگی واکه‌ای بود. جدول (۲) این همبستگی را در زنان تهرانی نشان می‌دهد.

جدول ۲: هماهنگی واکه‌ای در فارسی محاوره‌ای زنان تهرانی بر حسب تحصیلات

(جهانگیری و هادسن ۱۹۸۲)

میزان تحصیلات	بی سواد	دبستان	دبیرستان	دانشگاه
درصد هماهنگی واکه‌ای	۶۵	۴۰	۲۴	۶

1 deletion

2 metathesis

3 devoicing

4 insertion

5 assimilation

6 vowel harmony

7 Hudson

در مورد ویژگی‌های آواشناختی و فرایندهای واجی لهجه مشهدی کارهای معدودی صورت گرفته است، اما تقریباً هیچ‌کدام از آن‌ها به جنبه‌های زیانشناختی اجتماعی این لهجه نپرداخته‌اند و متغیرهای اجتماعی را در تحقیق خود دخیل نکرده‌اند؛ از جمله می‌توان به تحقیق فیروزیان پوراصفهانی و فاتحیان (۱۳۸۹) اشاره کرد که فرایندهای واجی گویش^۱ مشهدی براساس واج‌شناسی خودواحد^۲ بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که فرایندهای همگونی، درج، حذف و هماهنگی واکه‌ای در گویش مشهدی بر اساس این نوع واج‌شناسی قابل تحلیل بوده و بقیه فرایندها از این طریق قابل تبیین نیستند. همچنین نجاتیان (۱۳۹۰) ضمن بررسی و توصیف گویش مشهدی به فهرستی از فرایندهای واجی رایج در این گویش اشاره می‌کند. به گفته وی مشخص‌ترین فرایندهای واجی در گویش مشهدی عبارتند از فرایندهایی چون: همگون‌سازی، ناهمگونی، تبدیل، حذف، افزایش یا درج، قلب، خشی‌شدگی، کشش جبرانی^۳ و خیشومی‌شدگی (ص ۵۹). همان‌طور که اشاره شد این پژوهش‌ها و بسیاری دیگر همگی به توصیف واج‌شناختی این فرایندها فارغ از عوامل جامعه‌شناختی پرداخته‌اند.

با توجه به این‌که تحقیقات در زمینه عوامل زیان‌شناسی اجتماعی دخیل در فرایندهای واجی بیشتر در شهر تهران صورت گرفته است، و نیز با در نظر گرفتن بافت جمعیتی مهاجر و غیر بومی در پایتخت، به نظر می‌رسد برای بررسی دقیق‌تر این مسأله در زبان فارسی نیاز به تحقیقات گسترده‌تر با داده‌های متنوع‌تر است. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با در نظر گرفتن یکی از عوامل مهم اجتماعی یعنی سطوح تحصیلی متفاوت می‌پردازد.

۴. روش تحقیق

این تحقیق از نوع آزمایشی است، لذا تعداد افراد مورد تحقیق از طریق محاسبات آماری مشخص نشده است. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. تعداد افرادی که برای این تحقیق در نظر گرفته شده است ۱۰۰ نفر از ساکنان شهر مشهد

۱ برخی پژوهشگران همچون افراد مذکور، از گونه مشهدی به عنوان گویش نام برده‌اند که به لحاظ حفظ امانت عین اصطلاح ایشان ذکر شده است.

2 autosegmental phonology

3 compensatory lengthening

هستند که متولد و بزرگ شده همین شهر می‌باشند. ۵۰ نفر از این افراد تحصیل کرده‌اند که شامل ۵ گروه ۱۰ نفری از سطوح تحصیلی مختلف (سیکل، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس) هستند. ۵۰ نفر دیگر نیز بی‌سواد (مطلق) هستند. مصاحبه‌شوندگان از دو جنس زن و مرد می‌باشند، اما جنسیت به عنوان یک متغیر در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین به منظور افزایش قدرت تعمیم‌پذیری تحقیق، با وجود این که سن گویشوران در این تحقیق یک متغیر اصلی نبود، سعی شد که آزمودنی‌ها از گروه‌های سنی مختلف انتخاب شوند. جدول شماره ۳ توزیع آزمودنی‌ها را در گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع آزمودنی‌ها در گروه‌های سنی مختلف

حدود سنی	بی سواد	باسواد
۱۸ - ۲۵	۲	۵
۲۶ - ۳۳	۵	۱۲
۳۴ - ۴۱	۹	۱۴
۴۲ - ۴۹	۱۵	۶
۵۰ - ۵۷	۸	۷
۵۸ - ۶۵	۱۱	۶

با توجه به پراکندگی عامل تحصیلات در گروه‌های سنی و جنسی مختلف، عملاً امکان انتخاب برابر افراد از لحاظ تمام این متغیرهای فرعی وجود نداشت و صرفاً تعداد آزمودنی‌های برابر از لحاظ متغیر اصلی یعنی تحصیلات انتخاب شدند.

در این تحقیق از روش مصاحبه استفاده شده است. صدای مصاحبه‌شوندگان با استفاده از ضبط صوت ضبط شده است تا با استفاده از آن به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شود. برای گرد آوری داده‌ها از افراد سوالاتی پرسیده شد که پاسخ هرکدام فقط یک کلمه بود. سوالات طوری تنظیم شدند که پاسخ آن‌ها، کلمات مورد استفاده در بررسی فرآیندهای واجی باشد.

سعی شد که شرایط مصاحبه بصورت طبیعی باشد و تأثیرات محیط بر مصاحبه شوندگان به حداقل برسد. هدف تحقیق که بررسی تلفظ واژگان در مقایسه با گونه معیار است، به مصاحبه شوندگان گفته نشد تا روند مصاحبه بصورت تصنعی تغییر نکند. سعی بر آن بوده است که عوامل مداخله کننده نظیر اختلالات تکلمی، اضطراب مصاحبه و عوامل محیطی کنترل شود و از تاثیرگذاری آنها ممانعت به عمل بیاید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل آمار توصیفی بوده است. روشی که برای نشان دادن توزیع صفت در جامعه انتخاب شده است روش هیستوگرام یا نمودارهای ستونی ساده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

محققان فرایندهای واجی^۱ را یک به یک از طریق نوارهای ضبط شده مورد بررسی قرار دادند که هر یک به صورت جداگانه در جدول نمایش داده شده است. تمام فرایندها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱-۵. همگونی

همگونی معمولاً به تغییر یک یا چند مشخصه از یک واحد صوتی برای سازگاری با یک یا چند مشخصه از یک واحد صوتی مجاور و گاه واحدهای صوتی غیر مجاور اطلاق می‌شود (اگرادی^۲، ۱۳۸۶: ۱۲۵). طی فرآیند همگونی یک مشخصه برای سازگاری با مشخصه‌های پیرامون خود به آنها تبدیل یا شبیه می‌شود. همگونی می‌تواند از نوع پیشرو یا پسرو باشد. در همگونی پیشرو عنصر متأخر یکی از ویژگی‌های عنصر قبلی در زنجیره را به خود می‌گیرد. در همگونی پسرو به عکس، عنصر قبلی با عنصر بعدی هماهنگ می‌شود.

واژه‌های مورد نظر در این پژوهش برای بررسی فرآیند همگونی [pānbe:] و [tānbāku:] و [peste:] می‌باشد. در اثر همگونی جایگاه تولید در دو واژه نخست، واج لثوی /n/ به واج

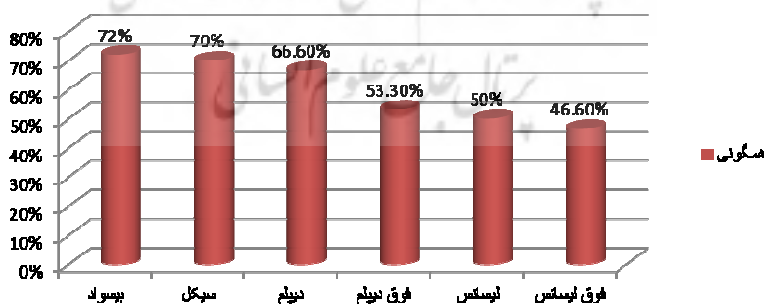
1 phonological process

2 o'Grady

دولبی /m/ و نیز در اثر همگونی شیوه تولید در واژه سوّم واج انسدادی /t/ به واج سایشی /s/ تبدیل شده و نهایتاً این واژه‌ها به شکل [pāmbe:]، [tāmbāku:] و [pesse:] تلفظ می‌شوند. بررسی گفتار فارسی زبانان مشهدی با درجات تحصیلی مختلف نشان داد که همگونی /n/ به /m/ در گفتار گروه تحصیلی پایین تر بطور نسبی بیشتر از گروه تحصیلی بالاتر می‌باشد. اما نکته قابل توجه این که در افراد تحصیل کرده در بعضی از واژه‌ها همگونی بسیار زیاد است. همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌کنیم در افراد تحصیل کرده، همگونی در واژه «پنبه» نسبت به واژگان دیگر بیشتر رخ داده است. به نظر می‌رسد با توجه به پذیرش فرایند همگونی برای واژه پنبه در گونه معیار، بسامد همگونی این واژه در گفتار افراد تحصیل کرده بسیار بالاست، اما در سایر واژه‌ها، افزایش سطح تحصیلات با وقوع همگونی نسبت معکوس دارد.

جدول ۴: درصد همگونی /n/ به /m/ و /t/ به /s/ در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	بیسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
پنبه	٪۹۸	٪۹۰	٪۹۰	٪۸۰	٪۹۰	٪۸۰
پسته	٪۴۶	٪۴۰	۳۰	٪۳۰	٪۰	٪۰
تنباکو	٪۷۴	٪۸۰	٪۸۰	٪۵۰	٪۶۰	٪۶۰
میانگین کل	٪۷۲	٪۷۰	٪۶۶٫۶	٪۵۳٫۳	٪۵۰	٪۴۶٫۶



نمودار ۱: همگونی مجموع واژگان

۲-۵. حذف

حذف، فرآیند مقابل افزایش است. کردزعفرانلو (۱۳۸۳) این فرآیند را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱- حذف واج نخستین^۱، ۲-حذف واج میانی^۲، ۳-حذف واج پایانی^۳ او معتقد است: «در گفتار پیوسته، معمولاً خوشه‌های همخوانی با حذف یک همخوان، ساده می‌شود و با حذف یک واکه از تعداد هجاهای کلمات چندهجایی، کاسته می‌شود. همچنین ممکن است یک عنصر واجی از جایگاه آغازی، میانی و یا پایانی حذف شود» (همان: ۳۶۷).

حذف واج‌ها معمولاً در گفتار تمام فارسی‌زبانان عمل می‌کند، اما میزان آن در گفتار افراد تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده متفاوت است. نکته قابل توجه در این فرآیند، این است که تحصیل کرده‌ها هم مانند افراد غیرتحصیل کرده بسیار زیاد از فرآیند حذف استفاده می‌کنند. واژه‌های انتخابی در این تحقیق، [râ:stgu:] و [zardču:be:] و [qandšekān] بودند که در صورت وقوع فرآیند حذف، به [râ:sgu:] و [zarču:be:] و [qanšekān] تبدیل می‌شوند. حذف در این واژه‌ها از نوع حذف میانی است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، حذف واج در هر دو گروه زیاد اتفاق افتاده است.

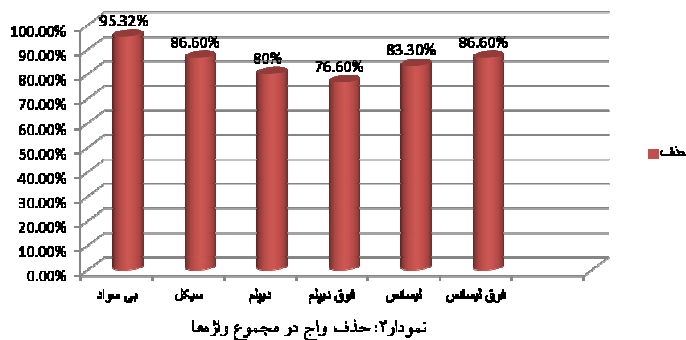
جدول ۵: درصد حذف واجی در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	بیسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
راستگو	٪۹۶	٪۷۰	٪۸۰	٪۸۰	٪۹۰	٪۸۰
زرد چوبه	٪۹۲	٪۱۰۰	٪۷۰	٪۹۰	٪۷۰	٪۱۰۰
قند شکن	٪۹۸	٪۹۰	٪۹۰	٪۶۰	٪۹۰	٪۸۰
میانگین کل	٪۹۵/۳۲	٪۸۶/۶	٪۸۰	٪۷۶/۶	٪۸۳/۳	٪۸۶/۶

1 aphaeresis of aposiopesis

2 syncope

3 apocope



جدول ۵ و نمودار ۲ نشان می‌دهد که میانگین رخداد حذف در مجموع واژه‌های مورد بررسی در افراد تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده بسیار به هم نزدیک است.

۳-۵. واکرفتگی

مدرسی (۱۳۶۸: ۱۹۸) فرآیند واکرفتگی را به صورت قاعده زیر نشان داده است.

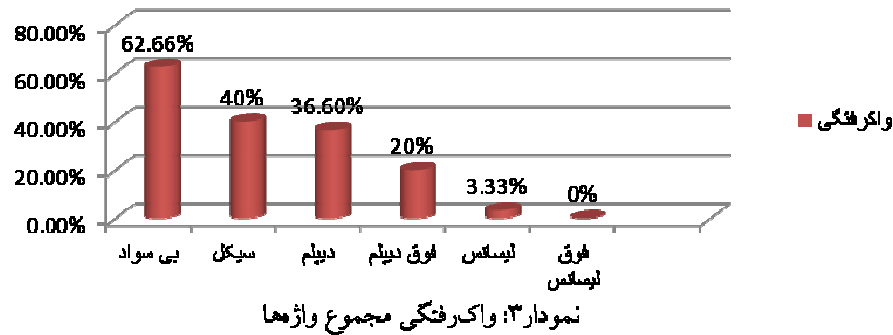
[c] → [-واک]

مشاهدات این تحقیق نشان داد که با عملکرد این قاعده، همخوان پایانی /d/ در خوشه همخوانی پایان واژه‌هایی مانند [gerd] و [sabard] و [k^hâ:rd] واکرفته می‌شود و به /t/ تبدیل می‌شود و این واژه‌ها به صورت [gert] و [sabat] و [k^hâ:rt] تلفظ می‌شود.

روند واکرفتگی در تلفظ افراد تحصیل کرده بسیار پایین است و وقوع این فرآیند در گفتار روزمره می‌تواند نشان از تحصیلات پایین باشد. جدول ۶ بسامد این فرآیند در جامعه تحقیق این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۶: درصد تبدیل /d/ به /t/ در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	بیسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
گرد	٪۷۶	٪۵۰	٪۴۰	٪۲۰	٪۱۰	٪۰
سبد	٪۸۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۳۰	٪۰	٪۰
کارد	٪۳۲	٪۱۰	٪۳۰	٪۱۰	٪۰	٪۰
میانگین کل	٪۶۲/۶۶	٪۴۰	٪۳۶/۶	٪۲۰	٪۳/۳۳	٪۰



مطابق ارقام به دست آمده، میزان واکرفتنگی در گفتار محاوره‌ای گویندگان غیرتحصیل کرده ۶۲/۶۶٪ می‌باشد و با افزایش تحصیلات این رقم کاهش پیدا کرده است و به صفر رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد که با افزایش میزان تحصیلات، میزان وقوع فرایند واکرفتنگی به شدت کاهش می‌یابد.

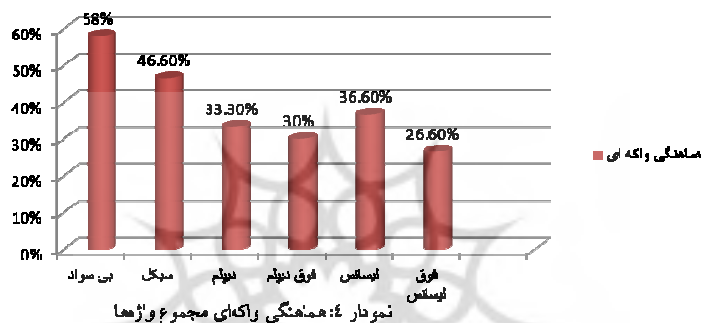
۵-۴. هماهنگی واکه‌ای

در فرایند هماهنگی واکه‌ای، «یک واکه تحت تأثیر واکه دیگری که در هجای مجاور قرار دارد پاره‌ای از مشخصات آوایی خود را از دست می‌دهد و بجای آنها مشخصات واکه مجاور را می‌گیرد یا مشخصاتی نظیر آنچه در هجای مجاور وجود دارد حاصل می‌کند» (حقی شناس، ۱۳۷۶: ۱۵۵-۱۵۶).

بررسی انجام شده روی این فرایند در سه واژه انجام گرفته است که طبق این فرایند واکه‌ها در واژه‌هایی مانند [keli:d] و [zāmīn] و [kasi:f] با یکدیگر هماهنگ می‌شوند و در نتیجه، این واژه‌ها به صورت [ki:li:d] و [zīmīn] و [ki:si:f] تلفظ می‌شوند؛ یعنی واکه /a/ در هجای آغازی با واکه موجود در هجای بعدی هماهنگ می‌شود. بر پایه نتایج بدست آمده از این بررسی در مشهد، هرچه میزان تحصیلات گویندگان مشهدی پایین‌تر باشد وقوع هماهنگی واکه‌ای در گفتارشان بیشتر است. در جداول زیر بطور کامل این رابطه معکوس میان تحصیلات و هماهنگی واکه‌ای قابل مشاهده است.

جدول ۷: درصد هماهنگی واکهای در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	بیسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
کلید	٪۹۰	٪۸۰	٪۸۰	٪۹۰	٪۱۰۰	٪۸۰
زمین	٪۳۲	٪۲۰	٪۱۰	٪۰	٪۰	٪۰
کثیف	٪۵۲	٪۴۰	٪۱۰	٪۰	٪۱۰	٪۰
میانگین کل	٪۵۸	٪۴۶٫۶	٪۳۳٫۳	٪۳۰	٪۳۶٫۶	٪۲۶٫۶



همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، میزان هماهنگی واکهای در گفتار افراد غیر تحصیل کرده ۵۸ درصد است. به همان نسبت که میزان تحصیلات افزایش می‌یابد میزان هماهنگی واکهای کاهش می‌یابد. بنابراین میزان وقوع این فرایند، دارای رابطه معکوس با میزان تحصیلات است.

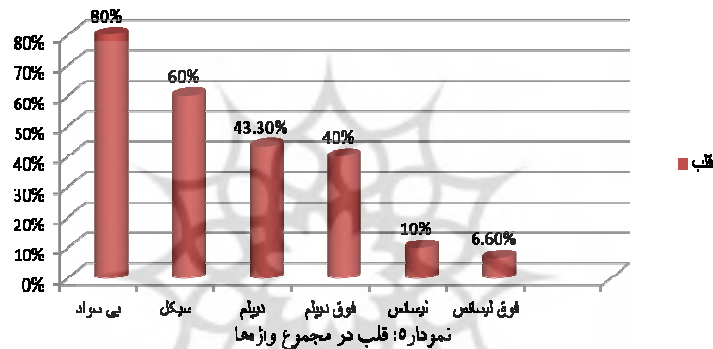
۵-۵. جایجایی (قلب)

«گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند بطوری که همخوان نخستین جایگاه دومین را می‌گیرد و همخوان دومین بجای همخوان نخستین می‌نشیند» (حقوق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

با توجه به سه واژه انتخاب شده برای تحقیق در این فرایند، مشاهده می‌شود که فرایند قلب در هریک از این واژه‌ها متفاوت است. در بعضی از واژه‌ها، قلب بسیار بیشتر از واژه‌های دیگر اتفاق می‌افتد. طی این فرایند واژه‌های [ʔastaxr] و [ʔaks] و [nōsxɛ:] به [ʔastarx] و [ʔask] و [nōxɛ:] تبدیل می‌شوند.

جدول ۸: درصد قلب در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	ییسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
استخر	٪۷۴	٪۶۰	٪۳۰	٪۵۰	٪۲۰	٪۱۰
عکس	٪۸۲	٪۵۰	٪۶۰	٪۱۰	٪۰	٪۰
نسخه	٪۸۴	٪۷۰	٪۴۰	٪۶۰	٪۱۰	٪۱۰
میانگین کل	٪۸۰	٪۶۰	٪۴۳/۳	٪۴۰	٪۱۰	٪۶/۶



همان گونه که اشاره شد و در جدول ۸ نیز مشاهده می‌شود، فرآیند قلب در میان افراد تحصیل کرده بسیار پایین است و به ندرت اتفاق می‌افتد اما گروه افراد غیرتحصیل کرده بسیار زیاد از این فرآیند استفاده می‌کنند و این نشان می‌دهد که هرچه تحصیلات بالا رود میزان فرآیند قلب کاهش می‌یابد. افراد با تحصیلات پایین و کودکان برای راحتی تلفظ واژگان از این فرآیند استفاده می‌کنند و در بعضی موارد افراد غیرتحصیل کرده تلفظ صحیح این واژگان را اصلاً نمی‌دانند.

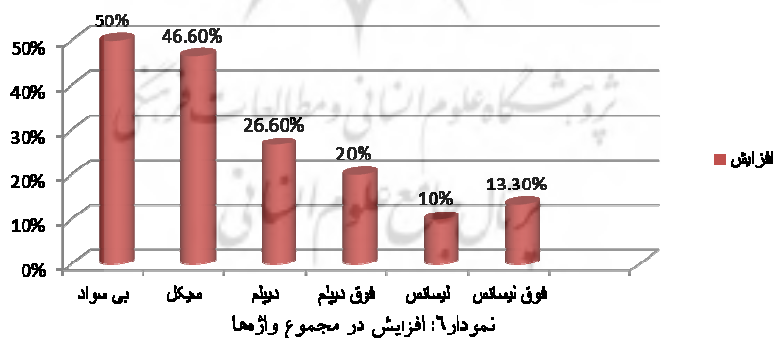
۵-۶. افزایش

در این فرایند، یک عنصر ساختاری جدید در یک زنجیره اضافه می‌شود (کردزعفرانلو، ۱۳۸۳: ۲۷۳). این فرایند را اضافه می‌خوانیم. فرایند اضافه نیز مانند فرایند حذف تابع قواعد نظام صوتی زبان است؛ به این تعبیر که هرگاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحدهای زبان به

وجود آید که یا بر اساس طبیعت آوایی زبان ثقیل باشد و یا خلاف نظام صوتی زبان محسوب شود. برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۱۵۹). برای این فرآیند واژه‌هایی که از همه پرکاربردتر بوده‌اند انتخاب شد. سه واژه انتخابی [goje:h] و [sepi:dâr] و [dõm] می‌باشد که طی فرآیند افزایش به واژه‌های [gorje:h] و [sepi:ddâr] و [dõmb] تبدیل می‌شوند. این پژوهش نشان داد که میزان تحصیلات با فرآیند افزایش واجی رابطه معکوس دارد. یعنی هرچه تحصیلات بیشتر باشد کاربرد این فرآیند کمتر خواهد بود. جدول شماره ۹ این موضوع را نشان می‌دهد.

جدول ۹: درصد فرآیند افزایش در تلفظ هر واژه بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات واژگان	بیسواد	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
گوجه	٪۸۲	٪۷۰	٪۶۰	٪۲۰	٪۳۰	٪۴۰
سپیدار	٪۲۴	٪۳۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۰	٪۰
دم	٪۴۴	٪۴۰	٪۱۰	٪۳۰	٪۰	٪۰
میانگین کل	٪۵۰	٪۴۶٫۶	٪۲۶٫۶	٪۲۰	٪۱۰	٪۱۳٫۳



همانطور که در جدول نشان داده شده است، وقوع فرآیند افزایش در واژه گوجه نسبت به سایر واژه‌ها، در گروه تحصیلی بی‌سواد بسیار بیشتر رخ داده است. فرآیند افزایش در دو واژه دیگر بسامد کمتری نسبت به واژه گوجه دارد. از بعضی افرادی که سواد نوشتن داشتند و فرآیند افزایش در تلفظ

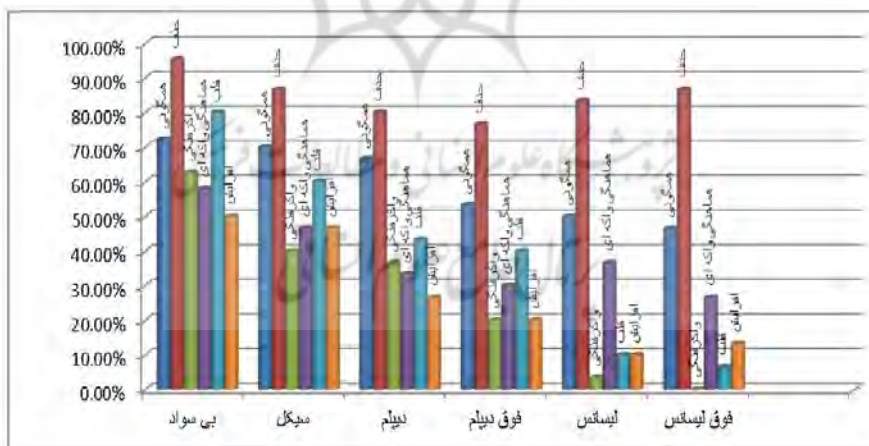
واژه گوجه در ایشان مشاهده شد، خواسته شد که این واژه را بنویسند. آنها در نوشتار نیز همانند گفتار، حرف «ر» را اضافه می کردند.

۵-۷. مجموع فرایندها

مجموع فرایندهای واجی بررسی شده در این تحقیق به تفکیک گروه‌های تحصیلی مختلف در جدول ۱۰ و نمودار ۷ نمایش داده شده است.

جدول ۱۰: میانگین درصد کل فرایندها در میان افراد با درجه تحصیلی متفاوت

تحصیلات	تعداد	همگونی	واکرفتنگی	حذف	هماهنگی واکه‌ای	قلب	افزایش
بیسواد	۵۰	٪۷۲/۲	٪۶۲/۶۶	٪۹۵/۳۲	٪۵۸	٪۸۰	٪۵۰
سیکل	۱۰	٪۷۰	٪۴۰	٪۸۶/۶	٪۴۶/۶	٪۶۰	٪۴۶/۶
دیپلم	۱۰	٪۶۶/۶	٪۳۶/۶	٪۸۰	٪۳۳/۳	٪۴۳/۳	٪۲۶/۶
فوق دیپلم	۱۰	٪۵۳/۳	٪۲۰	٪۷۶/۶	٪۳۰	٪۴۰	٪۲۰
لیسانس	۱۰	٪۵۰	٪۳۳/۳	٪۸۳/۳	٪۳۶/۶	٪۱۰	٪۱۰
فوق لیسانس	۱۰	٪۴۶/۴	٪۰	٪۸۶/۶	٪۲۶/۶	٪۶/۶	٪۱۳/۳

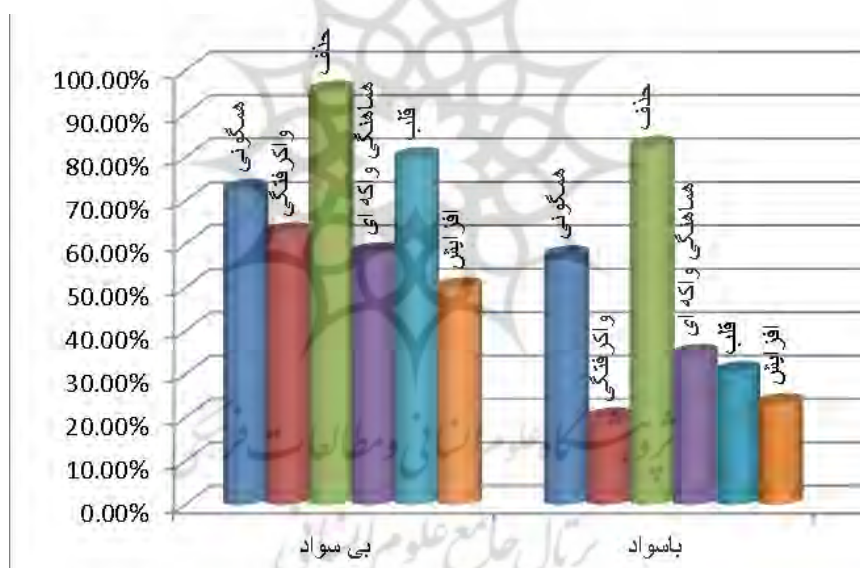


نمودار ۷: نمودار کل فرایندها در میان افراد با درجه تحصیلی متفاوت

پس از بررسی فرایندهای واجی در گروه‌های تحصیلی مختلف، به منظور جمع‌بندی داده‌ها و همچنین به منظور بررسی تأثیر سواد به طور کلی (آشنایی با صورت مکتوب کلمات) در مقابل بی-سوادی (عدم آشنایی مطلق با صورت مکتوب)، در تحلیل نهایی، تمام گروه‌های تحصیلی با هم تلفیق شدند و از نظر بسامد فرایندهای واجی با گروه بی‌سواد مقایسه شدند. جدول ۱۱ و نمودار ۸ میانگین کل فرایندهای واجی را در میان دو گروه بی‌سواد و تحصیل کرده نمایش می‌دهد.

جدول ۱۱: میانگین درصد کل تحصیل کرده‌ها در مقایسه با بی‌سوادان

تحصیلات	تعداد	همگونی	واکرفتنگی	حذف	هماهنگی واکه‌ای	قلب	افزایش
یسواد	۵۰	٪۷۲/۶۶	٪۶۲/۶۶	٪۹۵/۳۲	٪۵۸	٪۸۰	٪۵۰
باسواد	۵۰	٪۵۷/۳	٪۱۹/۹۸	٪۸۲/۶۶	٪۳۴/۶۲	٪۳۰/۶۶	٪۲۳/۳



نمودار ۸: مجموع فرایندهای واجی در افراد تحصیل کرده و بی‌سواد

۶. نتیجه‌گیری

در بررسی‌های زبان‌شناختی اجتماعی همواره با شبکه‌ای پیچیده از عوامل متعلد و متعامل روبرو هستیم که در یک پژوهش نمی‌توان به همه آنها پرداخت. همچنین نباید فراموش کرد که برخی

عوامل که به عنوان علت بروز بعضی ویژگی‌های زبانی در افراد شناخته می‌شود، ممکن است خود معلول برخی ویژگی‌های زبانی باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که نوعی همبستگی بین عوامل اجتماعی و پدیده‌های زبانی کشف می‌کنیم، حتی در صورت وجود رابطه علی و معلولی، تعیین جهت این رابطه و تفکیک علت از معلول همواره آسان نیست. همچنین، عواملی خارج از دو حیطه زبان و جامعه‌شناسی نیز ممکن است به عنوان عامل متداخل در این نوع همبستگی‌ها مؤثر باشند.

بنابر آنچه گفته شد زبان گفتاری دارای تنوعات و گوناگونی‌های بسیار در میان گویندگان آن است. بسیاری از این گوناگونی‌های زبانی می‌تواند با عواملی همچون میزان تحصیلات مرتبط باشد. همچنان که مدرسی (۱۳۶۸: ۲۰۲) می‌گوید، تفاوت و تنوعات گوناگونی که در زبان محاوره وجود دارد باعث شده است که زبان محاوره یک جامعه از خصلت نا همگونی برخوردار گردد. تنوعات و گوناگونی‌های زبانی را باید بازتابی از تفاوت‌های اجتماعی ناشی از عواملی نظیر تحصیلات دانست و می‌توان گفت همان‌طور که یک جامعه از لحاظ اجتماعی یکپارچه نیست از لحاظ زبانی هم نمی‌تواند یکپارچه باشد. آمار بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق بر این امر صحه می‌گذارد و نشان می‌دهد در مجموع، هرچه میزان تحصیلات افراد جامعه بالا رود فرایندهای واجی که تلفظ غیر معیار را سبب می‌شوند در گفتار ایشان کمتر مشاهده می‌شود و تلفظ افراد تحصیل کرده به صورت مکتوب واژه‌ها نزدیک‌تر است.

میزان رخداد هر فرایند واجی برای هر واژه و میانگین مجموع واژه‌ها در گروه‌های تحصیلی متفاوت در بخش قبل ارائه شد و مجموع این اطلاعات برای دو گروه دارای تحصیلات و بی‌سواد در جدول ۱۱ و نمودار ۸ نمایش داده شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت بین دو گروه بی‌سواد و تحصیل کرده، مربوط به فرایند واجی قلب است که به ترتیب ۸۰ و ۳۰/۶ درصد رخ داده است. از این حیث، واکرفتگی، افزایش، هماهنگی واکه‌ای و همگونی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در پدیده حذف، اختلاف دو گروه بسیار کمتر از سایر موارد است.

طبق نتایج بدست آمده می‌توان گفت که تحصیلات یک عامل مهم در وقوع بعضی از فرایندهای واجی در زبان فارسی است. در فرایندهایی مانند حذف و همگونی نمی‌توان گفت که تحصیلات نقش اصلی دارد و باید در پی عوامل مؤثر دیگر بود. داده‌های به دست آمده در این تحقیق و نتیجه-

گیری‌های حاصل از آن، مربوط به گویشوران زبان فارسی در شهر مشهد است و تعمیم آن به تمام فارسی‌زبانان نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر است. تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند نکات بیشتری را درباره تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر فرایندهای واجی روشن کند.

کتابنامه

- اگرادی، ویلیام، دابروولسکی، مایل و آرنف، مارک. (۱۳۸۰). *درآمدی بر زبانشناسی معاصر*. ترجمه: علی درزی. تهران: سمت.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۶). *آواشناسی*. تهران: آگه.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟». *ادبیات و زبان‌ها «نامه فرهنگستان»* ۶ (۳)، پیاپی ۲۳. صص ۲۰-۳۵.
- فیروزیان، آیدا و فاتحیان، طیبه. (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج‌شناسی خودواحد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، (سمنان، آذر ۱۳۹۰) صص ۱۶۴۷-۱۶۷۸.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه. (۱۳۸۳). *واج شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد*. تهران: سمت.
- نجاتیان، حسین. (۱۳۹۰). *بررسی و توصیف گویش مشهدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه شناسی*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یول، جرج. (۱۳۷۹). *بررسی زبان*. ترجمه نسرین حیدری. تهران: سمت.
- Anthony C. Oha. (2010). *Introduction to Sociolinguistics*. Lagos: National Open University of Nigeria.
- Arvaniti, A. (1999). Greek Voiced Stops: Prosody, Syllabification, Underlying Representations or Selection of the Optimal? *Proceedings of the 3rd International Linguistics Conference for the Greek Language*, pp 383-390. Athens: Ellinika Grammata.
- Arvaniti, A. & B. D. Joseph (2000) Variation in Voiced Stop Prenasalisation in Greek. *Glossologia* 11-12: 131-166.
- Bruthiaux, P. (1996), *The Discourse of Classified Advertising. Exploring the Nature of Linguistic Simplicity*. New York: Oxford University Press.

- Daher, J. (1998a). θ and δ as Ternary and Binary Variable in Damascene Arabic. In Elabbas Benmamoun, *Perspectives On Arabic Linguistics*, Amsterdam: John Benjamins pp 163-204.
- Daher, J. (1998b). Gender in linguistic variation: The variable (q) in Damascus Arabic. In E. Benmamoun, M. Eid, & J. McCarty (Eds.), *Perspectives on Arabic Linguistics, XI: Papers from the Eleventh Annual Symposium on Arabic Linguistics* (pp. 183-206). Amsterdam: John Benjamins.
- Hudson, R. (1980). *Sociolinguistic*. London: Cambridge University Press.
- Jahangiri, N., and Hudson, R. (1982). "Social patterns of variation in Tehrani Persian", in Suzanne Romaine (ed.) *Sociolinguistic Variation in Speech Communities*. London: E. Arnold. pp. 49-63.
- Labov, W. (2001). *Principles of Linguistic Change*. New York: Blackwell Publishers.
- Mackridge, P. (1990) *The Modern Greek Language*, Oxford: Oxford University Press. [update translation of *The Modern Greek Language* (1985), translated by K. N. Petropoulos).
- Milroy, J. (2012), Sociolinguistics and Ideologies in Language History, In Hernandez-Campoy, J. M. & Conde-Silvestre, J. C. *The Handbook of Historical Sociolinguistics*. UK: Blackwell, pp. 571-584.
- Pagoni, S. (1989). Cluster Analysis and Social Network Structure: The Modern Greek Evidence. *Studies in Greek Linguistics*, 10. pp 399 - 419.
- Tonkin, H. (2004), Language and Society, *Issues in Global Education Occasional Papers from the American Forum for Global Education*. No.178, 2003-2004.
- Warhaugh, R.C, R.C. (1992). An Introduction to Sociolinguistics. Oxford: Basil Black Well.
- Yule, G. (2006). *The Study of Language (Fourth Edition)*. Cambridge: Cambridge University Press.